

مکانهای مارگریت دوراس

گفت‌وگوی

میشل پُرت - مارگریت دوراس

ترجمهٔ قاسم رویین



نایف پبلشرز



نشر اختران

مارگریت دوراس: می‌شود ساعتها دربارهٔ این خانه و این باغچه حرف زد، همه‌جای این خانه برایم آشناست، تماماً. می‌دانم که محل قبلی درها کجا بود، دیواره‌های آبنگیر چطور بود و گل و گیاهها و حتی علفهای هرز کجایم رویدند. همه‌جای این خانه برایم آشناست.

Je fais des films pour occuper
mon temps. Si j'avais la force
de ne rien faire je ne ferais rien.
C'est parce que j'ai pas la force
de ne m'occuper à rien que j'ai fait
des films. Pour aucune autre raison.
C'est là le plus vrai de tout ce
que j'ai pu dire sur mon entreprise.

Dung

دستخطی از دوراس

[بند اول ص ۱۱]

میشل پُرت: شما، خانم مارگریت دوراس، نوشته‌اید «فیلم می‌سازم تا اوقاتم را پُر کنم، اگر توان این را می‌داشتم که هیچ کاری نکنم، دست به هیچ کاری نمی‌زدم. چون توان این را ندارم که دست به هیچ کاری نزنم، فیلم می‌سازم؛ دلیل دیگری وجود ندارد. واقعی‌ترین دلیل اشتغال به این کار همین است.»
م. د: همین‌طور است.

م. پ: آیا ممکن است به همین سیاق بگویید که «چون توان این را ندارم که دست به هیچ کاری نزنم، کتاب می‌نویسم»؟

م. د: زمانی که کتاب می‌نوشتم به گمانم در همچو وضعیتی نبودم، نه. این وضعیت مال ایامی است که هر روز نوشتن و نوشتنِ مدام را عملاً متوقف کردم، فیلم ساختم. بله، وقفه ایجاد کردم... مهم‌ترین چیز را، همین نوشتن را، متوقف کردم. البته دلایلی که برای نوشتن داشتم، در اساس، برایم ناآشناست؛ دلایل حرفی هم که الان زدم شاید همین باشد. شگفتی برای من وقتی است که همه نوشتن را کنار بگذارند. یک‌جور ستایش باطنی دارم برای آنهایی که دیگر نمی‌نویسند، و عیناً برای آنهایی که دیگر فیلم نمی‌سازند.

م. پ: خیلی از فیلم‌ها تان را در فضای داخلی خانه‌ای ساخته‌اید که منفک از فضای بیرون است.

م. د: بله، در اینجا ساخته‌ام، در این خانه. هر بار که به این خانه می‌آیم، شوق فیلم ساختن پیدا می‌کنم. مکان‌گاهی آدم را سرشوق می‌آورد. شاید اصلاً در تصورمان هم ننگجد که مکان یک همچو تأثیر و توانی دارد. تمام زندهای کتابهای من توی این خانه سکونت کرده‌اند، همه‌شان. ساکن شدن در مکان